

# خیابان ، فضا و قدرت

گردآوری و تألیف

مرضیه بهرامی برومند

www.kotab.ir



سرشناسه: بهرامی برومند، مرضیه - ۱۳۵۶  
عنوان و نام پدیدآور:  
خیابان، فضا و قدرت / گردآوری و تالیف مرضیه بهرامی برومند.  
مشخصات نشر: تهران: لوگوس ۱۴۰۰  
مشخصات ظاهری: ۲۱۸ص: ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.  
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۲۸۸-۹۴-۱  
وضعیت فهرست نویسی: فیپا  
یادداشت: کتابنامه

موضوع:  
خیابان ها، جنبه های سیاسی؛ خیابان ها، جنبه های اجتماعی؛  
خیابان ها در هنر؛ فضاهای عمومی، جنبه های اجتماعی  
رده بندی کنگره: HT۱۱۳  
رده بندی دیویی: ۳۰۷/۷۶  
شماره کتاب شناسی ملی: ۷۶۶۳۸۵۳

خیابان، فضا و قدرت  
گردآوری و تالیف مرضیه بهرامی برومند  
ویراستار: مهدی وجدانی

طراح جلد: مانی خنیاگر

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۲۸۸-۹۴-۱

صفحات: ۳۰۰

چاپ اول: ۱۴۰۰



برای مشاهده اطلاعات بیشتر کد بالا را اسکن کنید و به وبسایت نشر لوگوس مراجعه کنید.  
قیمت: ۸۰۰۰۰ تومان

تمامی حقوق این اثر محفوظ است. تکثیر یا تولید مجدد آن کلاً یا جزئاً، به هر شکل اعم از چاپ، فتوکپی، اسکن، صوت، تصویر یا انتشار الکترونیک بدون اجازه مکتوب از نشر لوگوس ممنوع است.

ایمیل: info@irlogos.com

تماس با مرکز پخش: ۰۹۰۲۱۵۴۰۰۴۲

فروشگاه برخط لوگوس: www.irlogos.com

## فهرست مطالب

۱. مقدمه: خیابان و امر سیاسی - مرضیه بهرامی برومند..... ۱
۲. جنسیت و خیابان - میترا زرگر در گفت‌وگو با مرضیه بهرامی برومند..... ۹
۳. خیابانی به نام «انقلاب» - آصف بیات، ترجمه مهرداد امامی..... ۱۹
۴. خیابان و سیاست: تجربه‌ی سیاستی از جنس بازیگوشی در ایران امروز - محمدرضا تاجیک..... ۳۱
۵. خیابان و مدرنیته - ناصر فکوهی..... ۶۹
۶. تولد امر مدرن در خیابان - عباس کاظمی..... ۷۹
۷. پیاده‌ها و سواره‌ها: درآمدی بر جامعه‌شناسی خیابان - شروین وکیلی..... ۸۹
۸. هنر در خیابان، هنر خیابانی - محمد علی پور..... ۱۰۹
۹. دگرمدرنیته، شهر و امر مشترک: از خیابان‌های شهر تا تأسیس هستی - فؤاد حبیبی..... ۱۴۳
۱۰. رنساس شهری و خیابان: فضاهای کنترل و رقابت - لورتالیز، ترجمه محسن توکل‌یان..... ۱۵۱
۱۱. نظام توتالیتر و خیابان - دیوید آتکینسون، ترجمه یاسین حسینی..... ۱۷۹
۱۲. گفتمان شب: معنای تولید/ مصرف در خیابان - تیم کرسول، ترجمه یاسین حسینی..... ۱۹۹

# ۱. مقدمه:

## خیابان و امر سیاسی

### مرضیه بهرامی برومند<sup>۱</sup>

به شدت از اینکه دیده شوم، یا کسی ملاقات کنم، یا شناخته شوم هراس داشتم. «زیرزمین» از قبل در جانم رسوخ کرده بود.

«مارشال برمن»

این جملات بخشی از گفته‌های قهرمان انسان زیرزمینی داستایوسکی در خیابان و بلوار نوکی است. مارشال برمن (۱۳۸۱) در خوانش کتاب یادداشت‌های زیرزمینی داستایوسکی تردید و نوسان عاطفی کارمند فقیری را - که «انسان زیرزمینی» لقب گرفته بود - توصیف می‌کند که نبرد و مبارزه‌ای را با افسری عالی‌رتبه برای کسب حیثیت و شناسایی متقابل در «خیابان» به نمایش می‌گذارد. انسان زیرزمینی پس از پشت سر گذاشتن دوره‌ای طولانی از درون‌گرایی و انزوا، سرانجام دست به عمل می‌زند، در برابر اربابش می‌ایستد و از هویت خودش در «خیابان» دفاع می‌کند.

داستایوسکی نشان می‌دهد که حیثیت از دست‌رفته انسان زیرزمینی و انحطاط و

تباهی او بیش از آنکه از وجوه شخصیتی او نشئت گرفته باشد، ناشی از ساختار زندگی در شهر سن پترزبورگ است. حیات سیاسی و اجتماعی شهر سن پترزبورگ، در نیمه قرن نوزدهم، هنوز تحت کنترل حکومتی قشری و خودکامه بود که مانع مشارکت مردان و زنان مدرن شهر در حیات خیابان می شد و همانند وزنه‌ای سنگین آنان را به زیر زمین می کشید. اما به گفته برمن، نیمه دوم قرن نوزدهم شاهد تقابل انسان زیرزمینی و طغیانگر با نظام سلطه ارباب مآبانه تزار روسیه و به چالش کشیدن آن در خیابان های سن پترزبورگ و بلوار نوسکی است که اولین تظاهرات را به صورت فردی تجربه کرد. کارمند فقیر و انسان زیرزمینی نه فقط از خیابان های سن پترزبورگ و بلوار نوسکی، بلکه از قشر بندی کاست های روسیه فئودالی و تزاری هم عبور کرد. از این رو، خیابان برای انسان های زیرزمینی جامعه یگانه جایی است که آنان را از انزوا خارج می کند و بستری را فراهم می سازد که علیه مناسبات حاکم عصیان کنند.

**قیام برای اعاده حیثیت با وساطت خیابان.** خیابان بستر ظهور و گشایش انسان های زیرزمینی و منزوی است. انسان زیرزمینی، و آدم های منفعل و امتیزه همان طبقات فرودست و افسارگوناگونی هستند که اکثریت جمعیت عظیم شهری را به خود اختصاص داده اند. دانشجویان، کارمندان، بیکاران و روشنفکران آزاد که مناسبات نابرابر اجتماعی و طبقاتی جامعه آنها را نادیده گرفته و خشمی طوفانی در آنها ایجاد کرده است. داستان انسان زیرزمینی - در واقع - شرح فرایند ظهور این خشم است

آنها که به عزتتی خود خواسته از جامعه تن داده یا طرد شده اند به خیابان می آیند تا «دیده شوند». امر دیداری که در مرکزیت فضای عمومی و خیابان قرار دارد، جانشین فضای بسته زیرزمین می شود که هدفش تأکید بر امر «نادیدنی» است. اکنون فضا واژگون شده است و رابطه انسان زیرزمینی و اربابان قدرت باید از نو تعریف شود. پای رقیب مهمی به حوزه اقتدار ارباب گشوده می شود و فضای عمومی خیابان همچون منبع جدید «امر دیدن» ظهور می کند، و امر دیداری را از امری طبقاتی و منحصر به فرد به امری روزمره و قابل دسترس بدل می کند.

در واقع، لحظه «دیدن» لحظه ای است که زندگی انسان زیرزمینی با سیاست پیوند می خورد. در اینجا ما با کنش سیاسی برخاسته از وضعیت زندگی شخصی فرد روبه رو

هستیم. «سیاست» و امر سیاسی در چنین بستری بازتعریف می‌شود. امر سیاسی در نتیجهٔ این میل دیدن و دیده شدن از حصارهای تنگ و باریک گفتمان‌های سنتی دربارهٔ زندگی فرد و خانواده همچون موضوعی خارج از قلمروی سیاست و دولت رها می‌شود، و شعار «امر شخصی امر سیاسی است» در اعتراض به دیدگاه‌های سنتی دربارهٔ سیاست و گفتمان‌های سیاسی‌ای که تأکید خود را بر سیاست طبقاتی استوار می‌کردند صورت می‌پذیرد.

در بازتعریف امر سیاسی، نظریهٔ پسا ساختارگرا سیاست را به معنای سامان دادن به مناسبات متغیر، دلبخواهانه و قراردادی دال و مدلول تعریف می‌کند. این چرخش نظری و مفهومی از سیاست انبوه خلق را به عنوان کنشگر وارد حوزهٔ عمومی می‌کند و در نتیجه، صدایش هم‌پایهٔ طبقهٔ حاکم به گوش خواهد رسید و طردشدگان قدم پیش می‌گذارند تا فضای اجتماعی را دگرگون سازند. بنابراین، سیاست سنتی در سطح حکومت به حاشیه می‌رود و اشکال دیگر سیاست همچون پدیده‌ای مستقل از دولت در کانون توجه قرار می‌گیرد.

ادبیات علوم سیاسی تحت تأثیر مارکسیسم و تفکرات چپ‌گرا، از جنگ جهانی دوم و عصر جنگ سرد تا ۱۹۹۰، عمدتاً بر محوریت طبقه و تحلیل‌های طبقاتی بود اما از دههٔ ۱۹۹۰ تا سال‌های آغازین دههٔ نخست قرن بیست و یکم، محوریت و برجستگی تحلیل‌های طبقاتی در ادبیات جامعه‌شناسی و علوم سیاسی تا حدی کم‌رنگ شد و در عوض، موضوعات و مقولات غیرطبقاتی همچون هویت، فرهنگ، باورها، ایدئولوژی‌ها و کنشگران اجتماعی بر تحلیل‌های سیاسی سایه افکند و تحلیل‌های طبقاتی-اقتصادی به تدریج در ساحت نظری معطوف به «عاملیت»، فرهنگ، هویت و ایدئولوژی پرنرنگ و برجسته شد که مهمترین آنها عبارت است از: ظهور و گسترش جنبش‌های اجتماعی جدید غیرطبقاتی مانند جنبش‌های دانشجویی، حقوق مدنی، زیست‌محیطی یا سبزها، فمینیستی، خلع سلاح، حقوق بشر، فروپاشی اتحاد شوروی و بلوک شرق، وقوع انقلاب ارتباطات و اطلاعات و جهانی شدن. بنابراین، احزاب سیاسی ایدئولوژیک طبقه بنیاد، در این مقطع و در بستر فرایند پرشتاب جهانی شدن اقتصادی و سیاسی، به تدریج جای خود را به احزاب فراگیر غیرایدئولوژیک و فراطبقاتی داد، جنبش‌های اجتماعی به کنشگرانی جمعی پرنفوذ در

پویش‌های سیاسی و مبارزاتی جدید تبدیل شد و از بالاترین اعتماد و مشارکت در بین توده‌ها و طبقه متوسط برخوردار شد. امروزه جنبش‌های اجتماعی جهانی به صورت شبکه‌ای و جهانی با درگیرسازی مدنی و سیاسی افراد و گروه‌های میانی به مثابه کارگزار مهم و بلامنازع برای پیشبرد عدالت و رساندن اعتراضات توده‌ها و طبقات میانی عمل می‌کند. جنبش‌های اجتماعی در سوق دادن افراد و گروه‌های کم‌بضاعت شهری و متعلق به طبقات پایین از حاشیه به متن سیاست به نحو نسبتاً موفقیت‌آمیزی عمل کرده و بازتاب‌دهنده صدای اعتراضی آنان در افکار عمومی و حاکمیت‌ها در سطح ملی و جهانی بوده است، و میل به حضور و به تصرف درآوردن خیابان‌ها و میدان‌های اصلی شهر را اهرم پیش‌برنده مطالبات و اهداف جنبش خود می‌داند و آن را تنها راه چانه‌زنی بر سر ارضای نیازهایشان می‌یابد.

به بیان آصف بیات (۱۳۹۷) خیابان‌ها در این مفهوم تنها مکان هندسی بروز حرکت جمعی برای اقشاری که از نظر ساختاری فاقد هرگونه جایگاه نهادی برای بیان نارضایتی‌شان هستند، در نظر گرفته شده است. مشکل فوکو در توصیف چگونگی تبدیل خیابان به عرصه فعالیت سیاسی در چارچوب استفاده آگاهانه از عرصه خیابان به رابطه «فضا» و «قدرت» اشاره می‌کند و می‌گوید آنچه بستر خیابان را در بعد سیاسی فعال و حائز اهمیت می‌کند استفاده فعالانه و مشارکت‌گرایانه از فضاهای عمومی است. عرصه‌ای که در حالت عادی در حوزه قدرت حکومت و تحت کنترل آن است. چرا که حکومت قواعد و مقررات این عرصه را تنظیم و نظم آن را برقرار می‌کند و از استفادکنندگان این فضاهای عمومی انتظار دارد به شکلی منفعلانه و مطابق با قوانین موضوعه حکومت رفتار کنند. ازاین‌رو، هرگونه استفاده فعالانه و مشارکت‌جویانه از آنها هم کنترل قدرت حاکم و هم خیابانی مجموعه‌ای از مناقشه‌ها، چالش‌ها و پیچیدگی‌های ملازم با آن بین یک حرکت توده‌ای جمعی و مقامات مسئول است که به صورت دوره‌ای در فضای فیزیکی-اجتماعی خیابان شکل می‌گیرد و بروز می‌کند. در واقع، نفس شکل‌گیری خیابان‌ها نمایش سیاست و ساخت قدرت انضباطی نظام حاکم بوده است. ساخت قدرت حاکم بر جامعه می‌تواند از خیابان‌ها همچون ابزاری برای نمایش قدرت استفاده کند، بنابراین خیابان مرکز انباشت

قدرت می‌شود اگر که سوژه‌های تابع هنجارهای نظام شایستگی خودشان را اثبات کنند تا امکان حضور در آن را پیدا کنند، اما این نظم آسیب‌پذیر و شکننده است و می‌تواند با مقاومت و مبارزه از هم بپاشد و لحظه‌ای انقلابی پدید آورد. لحظه انقلابی یعنی همان لحظه رویارویی و برابری طلبی سوژه مدرن با سوژه انضباطی نظم حاکم در خیابان.

در نظام‌های توتالیتر خیابان‌هایی که زندگی روزمره مردم در آنها رقم می‌خورد به عنصری مهم از سوژه انضباطی نظام حاکم تبدیل می‌شود و نوعی از انسان متولد می‌شود که بازتولید نظم گفتمانی مردم‌محور و سرکوبگر است. به نظر می‌رسد در دنیای مدرن اعمال خشونت بار کمتر اتفاق می‌افتد اما جغرافیای اخلاقی ساخت قدرت انضباطی نظام حاکم به‌طور فزاینده‌ای در فضای عمومی جامعه و به طرق مختلف همچون نمایش رژه نظامی کهنه‌سربازان جنگ، موبک‌ها، دسته‌هایی از سیاه‌جامگان و برپایی جشن‌های ویژه نظام نشان داده می‌شود تا قدرت مردسالار نظم حاکم تثبیت شود. از این رو، عرصه خیابان بیشتر محل نمایش قدرت نظام حاکم است تا فضای بازنمایی زندگی روزمره. به بیان فوکو «هر کجا قدرت هست، مقاومت نیز هست».

سیاست متکی به قدرت‌های بزرگ اجتماعی و طبقاتی، هدف‌های والای دربرگیرنده کلیت زندگی اجتماعی، و اقدامات نمادین به پایان خط رسیده است. سیاست نمایشی و جنبش‌های خیابانی مقاومت شکل‌گرفته‌ای است در مقابل سیاست به‌آخر خطررسیده طبقاتی. جنبش‌های خیابانی در فقدان شرایط سیاست‌ورزی مرسوم و عقیم مانند آن، سیاست را به زندگی روزمره بازمی‌گرداند و زندگی را به شیوه انقلابی تغییر می‌دهد. بدنه این جنبش‌ها را طردشدگانی همچون زنان، مهاجران، اقلیت‌های قومی، جنسی و دینی و... تشکیل می‌دهند که می‌خواهند با واپس‌زدن نقاب‌های ایدئولوژیک پرداخته حاکمانشان، واقعیت سرشار از تضاد و تناقض زندگی در جامعه‌ای طبقاتی را به نمایش بگذارند و مرزهای میان «ما» و «آن‌ها» را هرچه بیشتر شفاف سازند.

در وضعیت نبود نهادهای مدنی و ندیدن و نشنیدن صدا و خواسته‌های افراد طردشده، به‌ویژه در حوزه زنان، خمودگی نیروهای جنبش زنان و ناامیدی از اصلاحات ساختاری «خیابان» به هویت جدایی‌ناپذیر حرکات و کنش اجتماعی تبدیل می‌شود، از این رو مطالبات و خواسته‌های جامعه در خیابان زاده می‌شود، در همان جا تکثیر و

بازتولید می‌شود و به حیات خود ادامه می‌دهد. تعریف و مفهوم خیابان در مورد جنبش زنان پیچیده‌تر است. فضای خیابان که بر اساس کاربرد اجتماعی و بُعد سیاسی تعریف می‌شود؛ در واقع، انگاره‌های «مرد عمومی» و «زن خصوصی» و تمایز آن در گفتمان مدرنیته و اصول سرمایه‌داری بررسی می‌شود. تقسیم‌بندی فضای عمومی و فضای خصوصی ریشه در فرهنگ و ایدئولوژی پدرسالاری دارد که باعث تولید و بازتولید نابرابری میان مردان و زنان می‌شود و همواره در تقابل با عدالت جنسیتی و اجتماعی است. شکل‌گیری هویت زنانه که تابع نظام دوگانه فضا است، در فضای خانه صورت می‌پذیرد و به عنوان مایملک مرد در خانه تغذیه می‌شوند و برای رسیدگی به امور خانه و همسرمداری و تربیت و رشد فرزندان حقوقی جز معنویت و بهشت دریافت نمی‌کنند و در برابر آن مردان بی‌هیچ اجباری مالک خانه، خیابان و عرصه عمومی می‌شوند.

فضای عمومی را بی‌شک می‌توان یکی از مهم‌ترین عناصر دنیای مدرن و شهرگرایی دانست. فضایی که به جز واقعیتی فیزیکی، واقعیتی اجتماعی و انتزاعی نیز هست. بدین معنا که این فضای فیزیکی در هر دوره تاریخی به‌گونه‌ای مادی و معنوی ساخته می‌شود و ویژگی خاص خودش را دارد. برای پست‌مدرنیست‌ها، فضای عمومی و به‌ویژه پدیده خیابان محلی است که سبک‌های جدید زندگی شهری را تغذیه می‌کند. باتوجه به این موارد موضوع خیابان نیاز به موشکافی بیشتری دارد. مجموعه‌ای از مقالات بین‌المللی نشان می‌دهد که چطور خیابان، همچون مکانی محلی و خاص، فرایند فرهنگی و اجتماعی خاصی را به صورت وسیع‌تری بازنمایی می‌کند؛ همچنین این مقالات اهمیت استراتژیک خیابان را بررسی می‌کند و سؤالات تئوریک بین جامعه و فضا را پاسخ می‌دهد. برای مثال، هویت جنسیتی و کنش‌های اجتماعی شکل‌گرفته توسط تجربه زنان از خیابان چگونه است. در این میان، به نظر می‌رسد خیابان را مردها ساخته و اداره می‌کنند و نام خیابان‌ها را به نام خود مزین می‌کنند و زنان در حاشیه قرار گرفته و مانند بسیاری از عرصه‌های دیگر اجتماعی از آن محروم مانده‌اند. خیابان -به‌مثابه فضای عمومی- بستری است که در آن تعاملات اجتماعی، سیاسی و جنسیتی شکل می‌گیرد، و در سال‌های اخیر هم اندیشمندان و علاقه‌مندان زیادی به این حوزه توجه کرده و آن را بسط داده‌اند. تقویت این حوزه سبب ارتقای فرهنگ گفتمان برابری حول موضوعات متعدد و افزایش

توان مشارکت شهروندان و زنان و مردان برای زیستی مطلوب‌تر است.

این کتاب تلاشی است برای فهم «خیابان به مثابه فضای عمومی» که جای آن بسیار در میان تألیف‌ها و ترجمه‌ها و پژوهش‌های استادان و دانشجویان خالی است. به دلیل آنکه دغدغه اصلی‌ام حضور زنان در جامعه و فضای عمومی است در پی آن هستم که فضای عمومی را از طریق مفهوم «خیابان» بررسی کنم. از این رو، برای شروع یک کار جمعی با دوستان و استادان محترم جامعه‌شناس و انسان‌شناس برتر کشور تماس گرفتم و تقاضا کردم که در کنار هم، جایگاه پدیده نوظهور خیابان را از ابعاد و چشم‌اندازهای مختلف زیر نظر و با توجه به آرای آنها در این کتاب بررسی و تبیین کنیم.

از لطف و عنایت دوستان و استادان خانم دکتر میترا زرگر، آقای دکتر آصف بیات، آقای دکتر محمدرضا تاجیک، آقای دکتر ناصر فکوهی، آقای دکتر عباس کاظمی، آقای دکتر شروین وکیلی، آقای دکتر محمد علی پور، آقای دکتر فؤاد حبیبی، آقای دکتر محسن توکلیان و آقای دکتر باسعید حسینی که برای این مجموعه زحمت کشیدند صمیمانه قدردانی می‌کنم و سپاسگزار زحمات آنها هستم.